

ادب عربي، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰



10.22059/jalit.2021.303388.612230

Print ISSN: 2382-9850/Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

Investigating Structural Codes in Contemporary Lebanon Novel Case Study “Al-Khaṭāyā al-shā'i'ah”

Fatemeh Akbarizadeh

Assistant Professor Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature,
Alzahra University, Tehran, Iran

Roghayeh Rostampour Maleki*

Associate Professor Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature,
Alzahra University, Tehran, Iran

Received: June 26, 2020; Accepted: September 21, 2021

Abstract

Literary text, includes various types of signs. These signs are interweaved in various implicational layers. Barthes in his post-structural reading tries to distinguish five types of codes, among which three types of codes namely connotative code, symbolic code, and cultural code enlightens the structural implication of the text along with the hypertext elements. In this respect, analyzing these codes will indicate the meaning of the text. This article uses the Barthes' method to read contemporary Lebanese novel and in addition to representing the narrative structure, pays attention to the representation of its intellectual structures. Therefore, during this study, the novel of " Al-khaṭāyā al-shā'i'ah (Common Mistakes)" by Fattan al-Mur, with an anthropological approach toward resistance, was analyzed at three levels of connotative, symbolic, and cultural codes. Connotative code studies an implicit meaning in the characteristics of the characters and their action in the story. At the level of cultural code, the cultural and ideological space of the value system of fictional discourse, and in the symbolic code, symbols emphasized in the story were analyzed. .. The analysis of these codes using Barthes' critical approach through the descriptive-analytic method indicated that the novel, in the case of connotative codes depicts the living conditions in Lebanon in the shadow of terror, insecurity, war, and conflict. In such type of condition, a paradoxical manner is also described, full of peace and security of European life and the image of the characters of these two environments with appropriate features. Therefore, the story does not represent a black and white image of European and Lebanese characters but introduces them through aspects such as courage and patriotism as a shared aspect of the fighters. In cultural or referential codes, "martyrdom" and "martyrdom-seeking" are central values in the story, not only independent of the ideology of Muslims but beyond the religion and belief of a nation are also rooted in the culture of patriotism, the spirit of honor, and resistance. At the level of symbolic codes, the story with a realistic approach provides just one example of the character of a female fighter as the symbolic code.

Keywords: Contemporary Arabic Novel, Barthes, Structural Codes, al-Khaṭāyā al-shā'i'ah, Fattan al-Mur.

*. Corresponding author: r.rostampour@alzahra.ac.ir

واکاوی رمزگان‌های ساختاری رمان معاصر لبنان؛

بررسی موردی: رمان الخطایا الشائعة

فاطمه اکبری زاده

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

رقیه رستم پور*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

(از ص ۱ تا ۲۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

علمی-پژوهشی

چکیده

متن ادبی از جمله رمان برساختی از نشانگان مختلف است که در لایه‌های مختلف دلالتی تنیده شده‌اند. بارت در خوانش پساساختاری از رمان به ترسیم رمزگان‌های پنج‌گانه می‌پردازد که از میان آنها سه رمزگان نمادین، معنایی و فرهنگی دلالت ساختاری اثر را در تعامل با عوامل فرامتنی روشن می‌سازد؛ لذا تحلیل این رمزگان‌ها به تبیین معنای متن منجر می‌شود. این جستار با بهره از این روش بارت به خوانش رمان معاصر لبنانی می‌پردازد تا ضمن بازنمایی ساختار داستانی به بازنمود ساختارهای فکری آن توجه نماید. رمان «الخطایا الشائعة (اشتباهات رایج)» اثر «فاتن المرّ»، با طرح دیدگاه‌های انسان‌شناختی و مقاومت که در سه سطح رمزگان معنایی، نمادین و فرهنگی مورد نظر این پژوهش است و در سه لایه رمزگان معنایی، نمادین و فرهنگی، دال مرکزی رمزگان این رمان رصد می‌شود. در رمزگان معنایی، دلالت ضمنی در خصوصیات شخصیت‌های داستان و کنش آنها بررسی می‌شود. در سطح رمزگان فرهنگی، فضای فرهنگی و ایدئولوژیک نظام ارزشی گفتمان داستانی تحلیل می‌گردد و نهایتاً در واکاوی رمزگان نمادین، رمزگان‌های سمبولیک و نمادهای مورد تأکید در داستان بررسی می‌شود. این پژوهش با بهره از دیدگاه بارت به روش توصیفی-تحلیلی روشن می‌سازد در بازنمایی رمزگان معنایی و با تحلیل داستان در ترسیم شرایط زندگی در لبنان در سایه وحشت، عدم امنیت و جنگ و کشمکش برای زنده ماندن و در وجه متناقض با وجه مرفه، پر از آرامش و امنیت زندگی اروپا، تصویر شخصیت‌های این دو محیط با وجوه خصلت‌نمای متناسب توصیف می‌گردد و تصویر سفید و سیاه از شخصیت‌های اروپایی و لبنانی ارائه نمی‌شود، بلکه جوانب مختلفی از جمله شجاعت و وطن‌دوستی به‌عنوان وجه مشترک مبارزان ترسیم می‌شود. در رمزگان فرهنگی یا ارجاعی شهادت و شهادت‌طلبی از ارزش‌های محوری در داستان، تنها وابسته به ایدئولوژی مسلمانان نیست بلکه برآمده از فرهنگ وطن‌دوستی و روحیه شرف و مقاومت فراتر از دین و اعتقاد یک ملت است. در سطح رمزگان نمادین مشاهده می‌شود داستان با رویکرد واقع‌گرایانه با دوری از رمزگان نمادین تنها یک نمونه شخصیت زن مبارز را به‌عنوان رمزگان وطن بسنده می‌کند.

واژه‌های کلیدی: رمان معاصر عربی؛ بارت؛ رمزگان ساختاری؛ الخطایا الشائعة؛ فاتن المرّ.

۱. مقدمه

اثر ادبی، جهانی از نشانه‌هاست که به کمک دانش نشانه‌شناسی (Semiology) می‌توان آن را رمزگشایی کرد و به کشف مفاهیم آن پرداخت. نشانه‌شناسی در واقع مطالعه رابطه ساختار نحوی و ساختار معنایی اثر است که در مناسبت میان دلالت‌های متنی و جهان بیرونی بر ساخته می‌شود؛ از این‌رو، هر متن با تمامی لایه‌های دلالتی و معنایی‌اش باید در بافت فرهنگی آن مطالعه شود و هرگز نمی‌توان لایه‌های فرهنگی و اجتماعی را که در ساخت بافت کلام و سطوح دلالتی آن نقش دارند، نادیده گرفت. علم نشانه‌شناسی در اواخر دهه ۱۹۶۰ با تمایل به مطالعات فرهنگی و متأثر از آثار رولان بارت، نظریه‌پرداز فرانسوی، به پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی نگاه تازه‌ای کرد؛ آن‌گونه که بارت، دوگانه زبان/گفتار را در نشانه‌شناسی سوسوری به شکل توسعه‌یافته در مباحث برون‌زبان‌شناسی (extra-linguistic) یا فرازبان‌شناسی (meta-linguistic) به کار برد و با نقدهای نشانه‌شناختی به تحلیل جوامع انسانی، فرهنگ روزمره، تبلیغات، اسطوره، ... و تحلیل‌هایی انسان‌شناختی پرداخت (← بارت، ۱۳۹۷: ۱۳). همچنین بارت، در مطالعه متون داستانی و روایتی، ابتدا به خوانش و تحلیل ساختاری روایت همّت گماشت و به دنبال بررسی نظام‌های زیرین سازنده متن رفت؛ اما از آنجا که در تحلیل متن به دنبال این بود که متون چطور معنادار می‌شود، با دست‌کشیدن از یافتن معنایی نهایی به سوی زنجیره‌ای از دال‌ها حرکت کرد و از ساختارگرایی به پساساختارگرایی رفت (صفی‌ی و سلامی، ۱۳۹۰: ۴)؛ چراکه معتقد بود فروکاستن متن به یک الگوی ساختاری، نهایت نامطلوبی است که باعث می‌شود متن تمایزش را از دست بدهد (Barthes, 1970: 9)؛ لذا همان‌طور که اسکولز می‌گوید به دلیل خصوصیات بارت نمی‌توان کار او را در هیچ جعبه کوچکی که بر چسب ساختارگرایی دارد، کاملاً جا داد (اسکولز، ۱۳۹۳: ۲۰۹). در واقع بارت با در نظر گرفتن عاملیت انسانی در خوانش متن و لایه‌های معنایی شکل‌گرفته، از سطح ساختاری به فراتر از ساختار در خوانش پساساختارگرا رسید.

بارت در رویکردی پساساختارگرایانه به داستان اس/زد و با تجزیه و تحلیل ادبی، رمزگان‌های پنج‌گانه حاکم بر اثر را شناسایی می‌کند تا دلالت هر واحد معنایی را نه با بازگشت به معنای نهایی و ثابت داستان و نه با بازگشت به واقعیت بیرون متن، بلکه از راه مکالمه میان ساختار اثر و ساختار معنایی (دانسته‌های ذهنی خواننده) روشن کند (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۴۱). در میان این پنج رمزگانی که بارت تعیین کرد، رمزگان هرمونیتیکی و کنشی به‌عنوان رمزگان‌هایی فرآیندی و سه رمزگان نمادین، معنایی و فرهنگی،

به‌عنوان رمزگان‌هایی ساختاری معرفی می‌شوند (همان: ۱۵۱). سه رمزگان اخیر، به‌عنوان رمزگان‌های ساختاری متن داستانی مورد نظر این مقاله است که شناخت و واکاوی آنها به بازگشایی معنای درون متن می‌انجامد و ضمن بازنمایی ساختار داستانی به بازنمود ساختارهای فکری همراه آنها منجر می‌شود.

با توجه به چشم‌انداز یادشده، شناخت رمزگان‌های دلالتی متون داستانی و به‌طور ویژه ادبیات پایداری در حوزه مقاومت، برای درک واقعیت افکار حیات معاصر ضروری می‌نماید. داستان *الخطايا الشائعة* (اشتباهات رایج) اثر فاتن المرّ، نویسنده زن لبنانی مسیحی در حوزه مقاومت، اولین بار در ۲۰۱۰ به چاپ رسید و در ۲۰۱۱ در فهرست رمان‌های برگزیده برای کسب جایزه جهانی رمان عربی موسوم به «بوکر عربی» قرار گرفت. این رمان که به موضوع پایداری می‌پردازد، از زبان راوی زن روایت می‌شود و از نگاهی زنانه به این موضوع نظر می‌کند. این پژوهش با خوانش رمان *الخطايا الشائعة* تلاش دارد دیدگاه‌های انسان‌شناختی مقاومت را که در ورای رمزگان‌های ساختاری آن تنیده شده است، بر اساس الگوی تحلیل رمزگان بارت واکاوی کند؛ زیرا تاکنون از نگاه پژوهشگران ایرانی مغفول مانده است. این جستار درصدد است با استخراج رمزگان‌های ساختاری این رمان زنانه، شامل رمزگان معنایی، نمادین و فرهنگی به واکاوی معنا در لایه‌های دلالتی متن بپردازد و روشن سازد که لایه‌های مختلف متن، بر ساخته از رمزگان‌های ساختاری، چگونه در داستان مقاومت عمل می‌کنند؟ ساختار فکری مقاومت چگونه در رمزگان‌های معنایی، نمادین و فرهنگی این داستان تنیده شده است؟

نظریه بارت با رویکرد ساختارگرایی و پس از آن پس‌اساختارگرایی مورد توجه پژوهشگران ادبی در خوانش متون واقع شده است و کتب و مقالات متنوعی نیز با الهام از آن به رشته تحریر درآمده است. با توجه به رویکرد این پژوهش در بررسی رمزگان‌های معنایی، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

صفیئی و سلامی (۱۳۹۰) در مقاله خود از رویکرد تحلیل متنی رولان بارت برای بررسی نمایشنامه بهره برده‌اند. سجودی در کتاب *نشانه‌شناسی* (۱۳۸۸) خود و در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل نشانه‌شناختی متون هنری» (۱۳۹۱) به بررسی لایه‌های رمزگان‌های متن پرداخته است. رحیمی و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای داستان کوتاه *توفیق الحکیم* را بر اساس پنج رمزگان بارت تحلیل کرده‌اند و معتقدند این مدل می‌تواند فارغ از عوامل پیرامونی معنای متن را روشن کند که البته به نظر نگارندگان پژوهش حاضر در بحث از رمزگان‌های فرهنگی، این دستاورد

مورد تردید است. صادقی (۱۳۹۲) در تحلیل داستان ابراهیم گلستان از رویکرد بارت بهره برده و به رمزگشایی متن پرداخته است. سیدان (۱۳۹۴) نیز داستان قرآنی خلقت آدم^ع را با تأکید بر کشف *الاسرار* میبیدی در چارچوب بارت بررسی کرده است و رمزگان‌های هرمونیتیکی و کنشی را دارای بیشترین نقش در پیشبرد فرآیند داستان دانسته است. گل‌پرور و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری داستان کوتاه *آداب سفر* از دیدگاه بارت و گرماس (از مجموعه داستان *طعم بارت*)» (۱۳۹۲) این داستان نمادین با اندیشه‌های تعارض‌آمیز را از منظر رمزگان‌های بارت بررسی کرده و از رویکرد گرماس در تحلیل کنش‌های رمان بهره برده‌اند.

با توجه به تحقیقات و مطالعات صورت‌گرفته، به‌رغم کارآمدی خوانش بارت از متون و دریافت دلالت رمزگان‌های آن، رمان‌های عربی کمتر از رهگذر رمزگان‌های متنی مورد توجه قرار گرفتند؛ لذا این پژوهش یکی از رمان‌های مقاومت معاصر لبنان، *الخطايا الشائعة* را مطالعه کرده است تا ضمن معرفی آن، روشن سازد که ساختارهای فکری داستان زنانه مقاومت چگونه در شبکه معنایی رمزگان‌های متن بروز می‌کنند.

۲. برخی مفاهیم نظری

۲-۱. الگوی نشانه‌شناسی بارت

بارت با جهت‌گیری جامعه‌شناسی در مطالعه متن در کتاب *س/زد* از سازین بالزاک دیدگاه قبلی خود را مبنی بر تجزیه متن به واحدهای ساختاری ثابت کنار گذاشت و در عوض، بر چندمعنایی بودن متن و بازی پویا و چندلایه معنا تأکید (مکاریک، ۱۳۸۸: ۳۳۱) و پنج دسته رمزگان اصلی را از هم جدا کرد. این رمزگان‌های اصلی هر دو سوئیة معناشناسیک و همنشینی را دارند (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۸۸). بارت با تأکید بر رمزگذاری کلیة جنبه‌های فرهنگ، از ساختار داستانی به ساختارهای فکری گوناگونی حرکت کرد (اسکولز، ۱۳۹۳: ۲۱۶)؛ یعنی به جای خواندن خطی متن، آن را به شکل شبکه‌ای تفسیر کرد و امکان تفسیرهای چندگانه را به متن داد.

بارت با تحلیل نشانه‌شناسی داستان *س/زد*، با تأکید بر مفهوم چندارزشی بودن «متن»، به واسطه وجود رابطه متقابل نشانه‌ها و گسترش مداوم معنا، متن داستان *س/زد* را متنی نویسا (Writerly) خواند که در آن، خواننده تولیدکننده متن است (مکاریک، ۱۳۸۸: ۱۷۷). در متن نویسا خواننده تولیدکننده خلاق است؛ از همین‌رو، وی

متن را به چندین واحد خوانش یا خوانه تقسیم کرد و به تحلیل تک‌تک آنها پرداخت تا پراکندگی معنا را در آن کشف کند (صیفی و سلامی، ۱۳۹۰: ۶).

۲-۲. رمزگان متنی

رمزگان نظامی نشانه‌ای است که پیام معینی را تولید می‌کند و شامل مجموعه‌ای از نشانه‌ها و قواعد حاکم بر ترکیب آنهاست؛ به عبارتی، رمزگان چارچوبی است که نشانه‌ها در آن معنا می‌یابند (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). رمزگان‌ها در تعیین معنا دخیل نیستند؛ اما بازگشایی آنها می‌تواند معنای درون متن را بازگشاید (سجودی، ۱۳۸۸: ۸۷). بارت نشان داد که متن صورت تحقق‌یافته یک رمزگان نیست، بلکه گذرگاهی است که رمزگان‌های متنوعی از آن عبور می‌کنند (مکاریک، ۱۳۸۸: ۳۸). بارت مدلی مبتنی بر پنج رمزگان (کد) را برای تحلیل متن روایی ارائه داده است که شامل رمزگان هرمنوتیکی (Hermeneutic codes)، پروآیروتیک یا کنشی (Proairetic codes) و معنایی یا القایی، نمادین و فرهنگی است. از نظر او این رمزگان‌ها هستند که فارق از عوامل بیرون‌متنی، تحلیلی درست از متن ارائه می‌کنند. در نظر بارت این پنج رمزگان که در عربی از آن به نظام «الترمیز» یاد می‌شود، مهم‌ترین ساختار تولید معنا در متن هستند (برکات، ۲۰۰۲: ۷۱). اگر رمزگان‌های متفاوت را نظام‌هایی مشابه لانگ سوسوری تلقی کنیم، آن‌گاه متن نه حاصل همنشینی بین رمزگان‌ها، بلکه حاصل همنشینی میان لایه‌هایی است که هر یک بر اساس انتخاب از آن رمزگان‌ها در کنش ارتباطی تحقق عینی یافته‌اند (سجودی، ۱۳۸۷: ۲۰۳)؛ لذا تحلیل معانی این رمزگان‌ها، به معنای تحلیل طبقات و لایه‌های معناساختی متن است.

در میان پنج رمزگان درگیر در پردازش متن، سه رمزگان ساختاری مورد نظر این پژوهش شامل رمزگان معنایی، فرهنگی و نمادین به تفصیل در داستان مقاومت لبنان بررسی می‌شود.

۳. تحلیل رمزگان‌های ساختاری داستان الخطایا الشائعة

خلاصه داستان

داستان الخطایا الشائعة از زبان جوانی لبنانی به نام انور آغاز می‌شود که دفتر خاطرات معشوقه‌اش، ماری کریستین را می‌خواند؛ لذا در واقع سراسر داستان، روایت زندگی از زبان این دختر اروپایی است که در راه فلسطین کشته می‌شود. ماری بعد از مرگ مادر، در نامه‌ای توسط دوست صمیمی و خانوادگی خود، هلین، به خط مادرش دریافت

می‌کند که از رازی خبر می‌دهد؛ اینکه او فرزند یک لبنانی است که مادر بعد از طلاق از او، به زادگاهش در انگلیس برگشته بدون اینکه شوهرش را از وجود طفلشان با خبر کند و به‌تازگی فهمیده خواهر ناتنی ماری، به نام زینه، خود را در عملیاتی منفجر کرده است تا اسرائیلی‌ها را نابود کند. این نقطه، آغاز حرکت هویت‌جویانهٔ دختر به لبنان به‌عنوان روزنامه‌نگار می‌شود. او در لبنان به بهانهٔ تهیهٔ گزارش از زندگی افرادی که به عملیات انتحاری دست می‌زدند، در جستجوی خانوادهٔ خود و حقایق پیرامون آنهاست که با واقعیت‌ها و حوادثی روبه‌رو می‌شود. او در رابطهٔ عاشقانه با جوانی مبارز به نام انور قرار می‌گیرد و با افراد مختلف در جریان مقاومت آشنا می‌شود. آخرین باری که به‌عنوان جاسوس به لبنان اعزام می‌شود، در حملهٔ رژیم صهیونیستی به مردم به‌طور تصادفی مجروح می‌شود. او از نزدیک شاهد کشتار صبرا و شتیلا بوده و روایت‌گر آن می‌شود و در جمعیت‌های انسان‌دوستانه برای کمک به فلسطین می‌رود. داستان با محوریت راوی زن به روایت قصهٔ عشق و مقاومت می‌پردازد و حقایق موجود را بازگو می‌کند. راوی دو روایت متناقض لبنانی‌ها و اروپاییان را از مسئلهٔ مقاومت بیان می‌کند؛ از طرفی، با روایت وضعیت مبارزان، از مقاومت و جان‌فشانی آنها، از تغییر آنها و رفتن به سوی سازش و مصالحه صحبت می‌کند و از تاریخ وطنی می‌گوید که همچنان در تناقض رفتار مبارزان، سیاست‌مردان و منفعت‌طلبان نگاشته می‌شود. داستان در خوانش دوگانه‌های متناقض با سرانجام نافرجام رابطهٔ راوی با انور به پایان می‌رسد که به پذیرش مقام در برابر مقاومت رضایت می‌دهد. انور نیز دفتر خاطرات را با روایت شهادت ماری کریستین در برابر بلدوزر اسرائیلی در دفاع از فلسطینیان به پایان می‌برد.

۳-۱. رمزگان معنایی (دالی یا القایی: Connotative codes)

رمزگان معنایی به دلالت‌های کمابیش خصلت‌نما، روان‌شناسی و محیط مربوط می‌شود. این رمزگان دربرگیرندهٔ معناهای ضمنی با دلالت‌های ویژه‌ای است که از عناصر مختلف متن روایی مانند واژگان، تعبیر و جملات برداشت می‌شود (Barthe, 1970: 18). این رمزگان‌ها، به دلالت‌های ضمنی مربوط می‌شود که خصوصیت شخصیت‌ها یا کنش‌ها را می‌سازند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

در داستان *الخطایا الشائعة* با شخصیت‌های متفاوتی مواجه هستیم که در وهلهٔ اول در دو دستهٔ لبنانی‌ها (خودی‌ها) و اروپایی‌ها (دیگری‌ها) قابل تفکیک‌اند و هر کدام بر اساس اعتقادات و رویکردهایشان شامل مجموعه‌های متنوعی هستند که رمزگان‌های معنایی، نوع شخصیت آنها را در داستان ترسیم می‌کند.

نوع شرایط زندگی در لبنان در سایه وحشت، عدم امنیت و جنگ و کشمکش برای زنده ماندن به تصویر کشیده می‌شود که در تناقض کامل با وجه مرفه، پر از آرامش و امنیت زندگی در اروپاست و شخصیت‌های این دو محیط، متأثر از آن، دارای وجوه خصلت‌نمای متناسب هستند. در این میان، شخصیت راوی به‌عنوان حد واسط میان این دو محیط، به هردو متعلق است و به‌نوعی رمزگان بی‌طرف در داستان محسوب می‌شوند تا خواننده بتواند به‌عنوان راوی موثق به وی اعتماد کند.

۳-۱-۱. راوی و شخصیت محوری داستان

ماری کریستین، به‌عنوان شخصیت محوری داستان، به نوعی راوی اصلی است و روایت خاطرات از زبان اوست. نام این شخصیت تنها در سه مورد در داستان تصریح می‌شود: اول از زبان کسی که به شکل مجهول برای مخاطب مطرح می‌شود و فقط نامه‌ای به نام کریستین دریافت می‌کند و صرفاً با ضمیر «آنت» در نامه خطاب می‌شود تا برای مخاطب روشن شود این دریافت‌کننده نامه، مرد است و بعداً در داستان معلوم می‌شود، او انور، معشوق کریستین است؛ بعد، در نامه مادر به کریستین در وسط داستان و در اولین برخورد با انور؛ و نهایتاً، در پایان داستان که نام او به شکل سوم‌شخص یاد می‌شود. این شخصیت محوری طی یادداشت‌ها و خاطراتی که بیان می‌کند، توسط نشانگان معنایی بازنمایی می‌شود. ماری در یادداشت‌هایی که به دست انور رسانده و تا آخرین لحظه تصمیم به انتشار آنها نداشته است، از عواطف، افکار، دیدگاه‌ها و... خود بی‌پرده می‌گوید و همین، او را تبدیل به یک راوی مورد اعتماد برای مخاطب می‌کند.

راوی داستان به‌عنوان دورگه‌ای که از هویت عربی خود بعد از مرگ مادر آگاه می‌شود، همچون مادر، بسیار تلاش می‌کند که با لبنانی‌ها همدردی کند و اخبار رشادت‌های آنها را انعکاس دهد و به انتشار برساند و برخلاف مادر بعد از سفر به لبنان با بازگشت به اروپا، رابطه خود را با سرزمین عربی قطع نمی‌کند. او با یک لبنانی به نام انور رابطه نزدیک عاطفی برقرار می‌کند و حتی بیش از او دغدغه لبنان را دارد. بیش از هر چیز، رمزگان القایی این شخصیت را می‌توان در جستجوی حقیقت در او دانست. او ترسیم‌کننده واقعیت‌ها و روایت‌گر صادقی است که به هیچ‌یک از ریشه‌های عربی (پدری) و اروپایی (مادری) خود وابستگی محض ندارد، بلکه اوست که به‌عنوان راوی بی‌طرف موثق به تبیین وقایع می‌پردازد.

رمزگان القایی این شخصیت را در این جملات او در نامه‌ای که از زندان برای/نور نوشته است، می‌توان یافت: «لماذا أقوم بكلّ هذا...؟ ... حقاً لا يكفي اكتشافي المتأخر لجزء لبناني في دمي حتّى تتغير هويتي و تنقلب قناعاتي»^۱ (المّر، ۲۰۱۰: ۱۴).

این شخصیت تحت تأثیر جو مقاومت حاکم بر لبنان نیست و از سویی آدم متزلزلی نیز نیست که به سادگی تحت تأثیر احساسات خود قرار گیرد و تغییر رویکرد دهد؛ و این نشان می‌دهد او شخصیت قابل اعتمادی است که بی‌دلیل تغییر نظر نمی‌دهد. از سویی، چنین شخصیتی فراتر از خدمت به لبنانی‌ها، در گروه پزشکان بدون مرز، به دیگران، از آفریقایی‌ها تا فلسطینی‌ها، خدمات انسانی می‌دهد و در آخرین نقطهٔ رمان نیز خبری از سرنوشت وی می‌شنویم که با شجاعت جان خود را در دفاع از مظلومان از دست می‌دهد. این موضع او برآمده از حقایقی است که بدان رسیده است. این شخصیت طی داستان به زبان خودش، همانند یک دختر عادی با احساسات مختلف و گاهی متناقض روایت می‌شود؛ حتی جملهٔ فوق به‌عنوان آخرین جملات او که البته در صفحات آغازین داستان روایت می‌شود، به‌گونه‌ای پرسشی است تا داستان به دور از جنبه‌ای شعاری، باورپذیر شود.

او با تمام خصایص یک دختر (ترس‌ها، نگرانی‌ها و عشق و ...) به‌شدت نگران وضعیت مردمانی است که برای آرامش و امنیت خود تلاش و مبارزه می‌کنند. این شخصیت در کنار همهٔ تردیدها و دل‌نگرانی‌ها، از جسارت خاصی در تصمیم‌گیری برخوردار است و نظر دیگران تأثیری در تغییر باورهای نداشت که او درست می‌پندارد؛ برای نمونه، وقتی برای اولین بار تصمیم می‌گیرد به‌عنوان روزنامه‌نگار از لبنان دیدن کند، این‌گونه مصمم برخورد می‌کند: «تسألني: لماذا تخاطرين؟ سوف تذهبين في وقت آخر حين تكون ... تبتمس إذ تدرک ضعف حجتها ... لا يمكن للإنسان أن يحيا متمتعاً بصحة نفسية جيدة وهو وحيد مجرد من الروابط العائلية ... أرحل إذا»^۲ (همان: ۳۰).

این قاطعیت جزء رمزگان‌های معنایی شخصیت ماری است. او تلاش می‌کند که با مشکلات مواجه شود؛ برای نمونه بعد از اینکه انگلستان پای خود را در سفر به لبنان و درگیری‌های آن منطقه از دست می‌دهد، این‌گونه می‌گوید: «تعلمت كيف أنسي الأصابع المبتورة والفخذ المخطط. لم يكن الأمر بالصعوبة التي توقعت في البدء ... بضعة تغييرات بسيطة في خزانتي و في أسلوب حياتي لم تؤثر في كثيرًا»^۳ (همان: ۱۴۲).

ماری با توجه به خصیصه اروپایی خود، سعی می‌کند زندگی راحت و بی‌دغدغه‌ای داشته باشد؛ اما روحیه پرسشگری و حقیقت‌جویی که از دیگر نشانگان القایی مهم این شخصیت است، او را وادار می‌کند همواره با خود و با دیگران به گفتگو بپردازد و اکثر صفحات داستان به این نوع پرسش‌گری‌ها اختصاص داده شده است. او در این گفتگوها به دنبال حقیقت‌طلبی و اقناع است.

۳-۱-۲. شخصیت‌های اروپایی

دسته‌ای از شخصیت‌ها برآمده از جامعه اروپایی هستند؛ یا کاملاً بدان منتسب‌اند یا مانند شخصیت اصلی داستان نیمی از اصالت آنها بدان جا برمی‌گردد. اینان دارای ویژگی‌هایی هستند که توسط رمزگان‌های معنایی در گفتار و کردار و نوع اندیشه و سبک زندگی آنان ترسیم شده است. این افراد را می‌توان در مجموعه‌های متنوعی بررسی کرد: عده‌ای که منفعلانه سبک زندگی مادی دارند و فارغ از دغدغه‌های مردم و حتی با سوء استفاده از شرایط دیگران به دنبال منافع خویش‌اند؛ دوم، کسانی که در کنار زندگی مادی و اروپایی خود به دغدغه‌های مردمان شرق نیز نیم‌نگاهی دارند و دلسوزی می‌کنند؛ و نهایتاً، عده‌ای که برای تغییر زندگی انسان و نجات آنها از جنگ و ویرانی و نکبت فعالانه تلاش می‌کنند.

دسته اول را می‌توان تجسم‌یافته در شخصیت روزنامه‌نگار ادیب و جدی یافت. وی به‌عنوان یک روزنامه‌نگار برای تأمین منافع خود به دنبال جاسوسی در لباس خبرنگاری است. او از زمره اصحاب رسانه و مطبوعات غربی است که معنای مقاومت مردم را به‌خوبی درک نمی‌کنند و از دیدگاه خود به‌گونه دیگری از آن تعبیر می‌کنند و حاضر نیستند واقعیت حال مبارزان را چاپ و منتشر نمایند.

«ما سرّ الحبّ الذي يكتنه المرء لهذه البقعة من الأرض؟ ... يتسم أدیب بشيء من السخرية الأبوية: - ذات يوم سوف أطلعك علي الوجه الآخر لكلّ هذا النضال...» (همان: ۱۴۲).
ظاهر فرهیخته، باسواد و مطلع این فرد و شعارهای جذاب و فریبنده از یکسو (← همان: ۸۸) و بُعد تزویر باطنی و دورویی از سوی دیگر، رمزگان معنایی این شخصیت است که راوی موثق داستان، او را با صفتی چون مزدور توصیف می‌کند (← همان: ۱۲۲) یا این‌طور می‌گوید:

توصّل إلى قناعات راسخة يقول أن القيمة العليا التي يجب على المرء أن ينشدها هي السلام، السلام الداخلي و سلام في المحيط تكشفتُ فيها نوایا أدیب الحقیقیة بعد مرور شهر علی لقائنا شبه اليومیة^۵ (همان: ۱۰۱).

این فرد به عنوان روزنامه‌نگار در گروه‌های حافظ صلح در میدان‌های مبارزان عربی حضور دارد؛ اما این فقط پوششی است که راوی کم‌کم متوجه آن می‌شود و سپس خود را از او و گروهش دور می‌کند. در کنار ظاهر فریبنده، چنین شخصیتی دارای ابعاد شهوانی است (همان: ۴۵).

برخی اروپاییان مانند شخصیت یادشده، ابعاد منفی پررنگی دارند و برخی نیز مانند شخصیت هلن، دوست خانوادگی راوی، فردی کاملاً ساده‌زیست، بی‌آلایش و مهربان است و تنها به دنبال دغدغه‌های عاطفی خود است و نامزدی خود را با فردی که به دنبال مطامع مادی زندگی است و به او خیانت می‌کند، به هم می‌زند. صداقت و صمیمیت، خصیصه اصلی هلن است و به خاطر همین ویژگی نیز رابطه نامزدی خود را با سیاستمدار به هم می‌زند (همان: ۱۵۹) و سپس در کنار همسری آرام می‌گیرد که در تصویر متناقض از نامزد قبلی او، جوانی به نام تیبری، از یک خانواده اشرافی انگلیسی است که از تمام آن اشرافیت و اصالت اروپایی، به دور از فخرفروشی و برتری‌جویی، ثروت و احساس را به ارث برده است و بسیار رمانتیک و اجتماعی است و در جمعیت‌های انسان دوستانه به مردم فلسطین کمک می‌کند.

أصبحت قامته الهزيلة تبعث في شعوراً بالفرح و... . استكشفت بفضول حبايا نفس تيبري.
کلاً، «حبايا» ليست الكلمة المناسبة، فكل ما فيه واضح، معروض في كل ضوء، ناصع...
قام بشورته بحبة ولطف، فهاتان الصفتان متأصلان في نفسه... لولا أنه علماني يدافع عن
قراره بضرورة تحييد الأديان عن شؤون السياسة... (همان: ۱۵۷).

داستان تصویری یک‌جانبه و منفی از شخصیت‌های اروپایی ارائه نمی‌دهد، بلکه با اینکه اغلب به دنبال زندگی راحت مادی خود هستند، در عین حال نشان می‌دهد بسیاری از آنان با صداقت، با محبت، نجیب، اجتماعی و دارای دغدغه‌های انسان دوستانه هستند. امثال هلن و تیبری از اروپاییانی هستند که در کنار سبک زندگی اروپایی مادی و راحت و بی‌دغدغه خود، نگاه انسان دوستانه دارند. مادر راوی داستان نیز از همین دسته است؛ به عنوان یک اروپایی در گروه‌های کمکی و بشردوستانه پزشکان در مناطق لبنان آماده می‌شود، دل در گرو مردی لبنانی می‌بندد و با او ازدواج می‌کند؛ اما نمی‌تواند نوع دردها و آمل و سبک زندگی مقاومت در سایه جنگ را تاب بیاورد؛ لذا با فرزند در شکم خود بدون اینکه همسرش مطلع باشد، طلاق می‌گیرد و به اروپا برمی‌گردد. او از شخصیت‌هایی است که دل در گرو آلام انسان شرقی دارد؛ اما نمی‌تواند آسایش خود را فدا کند و در دوشادوش آنها بیاستد و لذا از دور همدردی می‌کند؛ «وعد

الحياة الذي أحمله يدفعني لأن أكون أنانية.. لم أعد أفكر إلا فينا نحن الاثنين»^۷ (همان: ۲۶)؛

دسته سوم، نمونه‌های حامیان حقوق بشر و انسان‌دوستانی که دغدغه‌هایی به اندازه بشریت دارند، در ماری کریستین، شخصیت و راوی اصلی داستان خلاصه می‌شود که پیش‌تر درباره‌اش سخن گفته شد. او نمونه یک شخصیت پویاست که بعد از آشنایی با دردهای مردم لبنان و فلسطین با شرکت در گروه‌های داوطلبانه کمک‌رسانی، از نزدیک در کنار مقاومت می‌ایستد و در برابر بلذری که قصد تخریب خانه یک فلسطینی را دارد، می‌ایستد تا مانع شود و جان خود را فدا می‌کند و این‌گونه توسط راوی اول داستان، یعنی انور توصیف می‌شود: «ماری کریستین حملت بذور البطولة دون أن تدري حملت تاريخاً من التضحية ونكران الذات تجلّي بأهلي حله»^۸ (همان: ۱۶۸).

این نوع از شخصیت‌های اروپایی برخلاف تمام خصایص غالبی همچون مادی‌گرایی، خودخواهی و منفعت‌طلبی که در متن از اروپاییان ترسیم می‌شود، به‌عنوان قهرمان با صفاتی چون از خودگذشتگی و فداکاری توصیف می‌شوند که با فدای آسایش خود، محرک و پرچم‌دار حرکت‌های انسان‌دوستانه هستند.

۳-۱-۳. شخصیت‌های لبنانی

در میان شخصیت‌های لبنانی ترسیم‌شده، انور به‌عنوان راوی آغازین داستان و مبارزی که با ماری آشنا می‌شود و به‌واسطه او روند مقاومت روایت می‌شود، شاخص‌ترین شخصیت عربی رمان است. رمزگان القایی شخصیت انور در داستان، به‌عنوان جوانی مسئولیت‌پذیر، میهن‌پرست، شجاع، حافظ حریم وطن، مهربان و دوست‌داشتنی شکل می‌گیرد که برای نمونه می‌توان به این جملات از او اشاره کرد: «كيف لا نحب هذه الأرض إلى درجة التضحية بأرواحنا في سبيلها»^۹ (المر، ۲۰۱۰: ۶۰) یا «كان قرار الانضمام إلى المقاومة الوسيلة الوحيدة لكي لا أحتقر نفسي...»^{۱۰} (همان: ۶۱).

روحیه شجاعت این نمونه از مبارزان لبنانی در صفحات مختلف رمان ترسیم می‌شود؛ جوانانی که با طیب خاطر در راه وطن جان خود را فدا می‌کنند. درجایی این‌چنین می‌گوید: «أرسلني إلي متابعة دراستي الجامعة في لندن. لكنني عدت. لم استطع أن أتابع عزلي. بما كان الشبان الجنوبيون يخوضون معارك بطولية للتصدي للعدو»^{۱۱} (همان: ۶۲)؛ این جوانان در تفکر و در عمل، قهرمان توصیف می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که شخصیت ماری به‌عنوان یک اروپایی تحت تأثیر این همه وطن‌دوستی قرار می‌گیرد؛ اما صف این

مبارزان طی سال‌ها رویارویی با دشمن و تحمل تلفات بی‌شمار به دو بخش تقسیم می‌شود: عده‌ای که همچنان علم مقاومت را بالا نگه می‌دارند و عده‌ای که تن به سازش می‌دهند. داستان، رمزگان‌های معنایی دال بر شخصیت این دو طیف را از سویی در شخصیت جوان‌های شهادت‌طلب و از سویی در روی دیگر انور ترسیم می‌کند. انور، شخصیتی پویا در داستان است که در پایان داستان، خسته از اختلافات داخلی صفوف مبارزان و تلفات سنگین و ... تغییر رویه می‌دهد.

یروي لي ضعفه وحيثه تجاه ما آلت إليه الأفكار الوطنية التي أضاعت أفق شبابه وشباب
المئات أمثاله، يقول هروب الحلم بوطن بعيد الطائفية والفساد والقطاع، يتساءل عن معنى
أقول القيم التي طالما حاربوا لأجلها^{۱۲} (همان، ۶۰)؛

این نمونه از شخصیت دچار تردید و فرسایش مبارزه می‌شود و کم‌کم ستاره آرزوهایی که برای وطن ساخته‌اند، افول می‌کند. با حرکت فرسایشی جنگ و تغییر تاکتیک‌های دشمن، برخی از همین مبارزان تغییر رویه می‌دهند و به سازش روی می‌آورند و به دلایل مختلف، به مصلحت‌اندیشی و مصالحه تن می‌دهند. انور معتقد است با روش‌های دیگری هم می‌توان مبارزه کرد و ماری تلاش می‌کند او را به یاد حرف‌های گذشته، یاد آرمان‌ها و رویایی برای وطن بیندازد؛ اما موفق نمی‌شود. انور هرگز در این تغییر موضع تردید ندارد، بلکه قیافه طلبکارانه به خود می‌گیرد (همان: ۱۵۸-۱۶۱)

أصابني الذهول عند مقاربتی أقواله هذه بما سبق وفسره لي عن أبطال قاتلوا في الصفوف
الأولي، ثم لم يتوانوا عن خلع ثياب القتال لخوض غمار السياسة^{۱۳} (همان: ۱۶۱).

بدین ترتیب دلایل و بهانه‌های مختلف، آنها را از مسیر جهاد و مبارزه دور می‌کند. انور با تغییر رویکرد و با پذیرش منصبی سیاسی، از مبارزه دست می‌کشد و به دنبال تصاحب کرسی پارلمانی می‌رود که البته مورد سرزنش راوی حقیقت‌طلب داستان قرار می‌گیرد؛ طوری که رابطه عاطفی آنها هم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و کم‌رنگ می‌شود.

بعد از انور، سایر شخصیت‌های لبنانی که در داستان ترسیم می‌شوند، عمدتاً جنگجو و شهادت‌طلب‌اند. خانواده‌های این قهرمانان، ساده و مبهوت حرکت‌های شجاعانه فرزندان‌شان، از انواع سطوح اجتماعی و از دیانت‌های مختلف‌اند. این شخصیت‌ها توسط راوی روایت می‌شوند که در نقش خبرنگار بی‌طرف با خانواده‌هایشان مصاحبه می‌کند و رمزگان‌های معنایی شکل‌دهنده آنها ترسیم می‌شود و از مهم‌ترین این شخصیت‌ها، خواهر نانتی ماری، زینه است. همه این افراد با تمام تفاوت‌های خانوادگی، اجتماعی سطح تحصیلات و رفاه، اغلب دارای یک خصوصیت مشترک‌اند؛ تمامی به خاطر وطن،

شجاعانه از جان خویش گذشتند. راوی، روایت‌گر آرام خانواده‌های آنها و خصوصیات بارز هر یک از آنهاست، ولی یک وجه مشترک برای آنها تعریف می‌کند: «ما من قاعدة عامة نستنبطها ما من قاسم مشترك إلا الخيار، الشجاعة القصوي» (همان، ۱۱۵).

نکته مهم که دغدغه راوی است، دوگانه‌هایی است که در رمزگان القایی از سوی اروپاییان و از سوی هم‌وطنان عرب نسبت به این افراد وجود دارد و راوی حقیقت‌طلب را مجبور به سفر از اروپا می‌کند تا از نزدیک شاهد قضایا و احوال این مردمان باشد. او در این دوگانه القایی که از سوئی (از نظر اروپاییان) این افراد را شرکت‌کننده در عملیات انتحاری، یعنی انفجاری با بار معنایی منفی به مفهوم تخریب‌گر توصیف می‌کند و از سوی دیگر استشهادی، به مفهوم شهادت‌طلب معرفی می‌شوند، آنها را شجاع‌دلانی می‌داند که برای وطن جان‌فشانی می‌کنند.

۳-۲. رمزگان فرهنگی (یا ارجاعی) (Cultural codes)

رمزگان فرهنگی به بازگشایی دلالت‌های فرهنگی می‌پردازد که نوعی شناخت کلی از فضای فرهنگی و ایدئولوژیکی داستان می‌دهد (Barthes, 1970: 18). بارت یادآور می‌شود که همه رمزگان‌ها از منظری فرهنگی‌اند؛ اما منظور وی از رمزگان فرهنگی در ساختار روایت متن، رمزگان‌هایی است که مرجعیت علمی یا اخلاقی اساس یک گفتمان را مشخص می‌کنند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۸ و صفیئی و سلامی، ۱۳۹۰: ۱۷) و در واقع کل نظام دانش و ارزش‌های مطلوب یک متن را می‌توان تحت این رمزگان شناسایی کرد (اسکولز، ۱۳۹۳: ۲۱۷). در نظام ارزشی این داستان چندین محور مورد توجه است: شهادت و شهادت‌طلبی از جمله ارزش‌های محوری در داستان محسوب می‌شود. این رمزگان ارزشی، تنها مربوط به مسلمانان نیست، ولو اینکه از آرمان‌های یک مؤمن محسوب می‌شود؛ اما برآمده از فرهنگ وطن‌دوستی است و روحیه شرف و مقاومت فراتر از دین و اعتقاد افراد است (← المر، ۲۰۱۰: ۲۳، ۴۶، ۶۴ و ۱۱۳). این ارزش در کنار ارزش وطن‌دوستی معنا می‌یابد. حس تعلق به میهن و مقاومت برای حفظ آن، در حقیقت تلاش برای حفظ شخصیت و اصالت و هویت انسانی افراد است و این احساس به حدی در مبارزان و شهادت‌طلبان شدت دارد که بی‌محابا و داوطلبانه جان خود را فدا می‌کنند؛ «لیس لدینا طائرات عسكرية لا أسلحة ثقيلة لا تملك إلا فکرتنا وجسدنا، وبهذا الفکر وبهذه الأجساد سوف نتصر. نכון إذا كنا لنا الوطن وبدون وطن لا هوية لنا» (همان: ۲۳).

رمزگان‌های فرهنگی در این داستان بر پایه نگاه منفی به غرب و تمجید شرق شکل نمی‌گیرد. شخصیت‌های غربی اروپایی تماماً سیاه و شخصیت‌های لبنانی تماماً سفید نیست. معیار شهادت‌طلبی و میهن‌دوستی و شجاعت، به‌عنوان رمزگان اساسی داستان بر مبنای چندصدایی در جوامع غربی و شرقی ترسیم می‌شود. در هر دو جامعه بی‌تفاوتان، منفعت‌طلبان و فداکاران دیده می‌شود؛ اما رمزگان غالب فرهنگی فداکاری و حقیقت‌طلبی است. در داستان از عملیات‌های انتحاری به‌عنوان عملیات‌های خرابکارانه یاد نمی‌شود، بلکه به شیوه‌های مختلف تقدیس و بزرگ داشته می‌شود. داستان از راوی صادق به روایت ایدئولوژی‌های مختلف می‌پردازد و بدون جانب‌داری، انواع دیدگاه‌ها را روایت می‌کند تا رمزگان فرهنگی رمان، یعنی تأکید بر حفظ روحیه شهادت‌طلبی به خواننده القا شود؛ به‌طوری‌که راوی موضع مصلحت‌طلبانه انور را مورد انتقاد قرار می‌دهد و با ترسیم شهادت‌طلبی یک اروپایی برای فلسطینیان، این خصیصه را تمجید می‌کند؛ برای نمونه در روایت از تلاش و امید برای چاپ خاطرات مبارزان لبنانی این‌چنین می‌گوید:

إنَّ أحدًا من الناشرين سيرضي بتبني رواية تعارض كل المفاهيم المتفق عليها
والتي تمَّ غرسها بعناية فائقة في رأي عام لا يملك الاهتمام بقضية بعيدة كل
البعد عن مفاهيمه فلا يري ضرورة لاستنباط طمستها سياسات مدروسة، إنّه
وجه آخر من وجوه صراكم^{۱۶} (همان: ۱۵).

رمزگان مقاومت و شهادت که آرمان مردم لبنان و فلسطین است، برای اروپاییانی که تحت تأثیر پوشش خبری و رسانه‌ای سیاست‌های غرب قرار گرفته‌اند، با اهمیت نیست و لذا ناشران هرگز برای چیزی که مورد توجه خواننده نیست، هزینه نمی‌کنند. لازم به توضیح است در کنار مسائل وطن و مقاومت، مسئله خانواده یکی دیگر از رکن‌های اساسی داستان است و نوع روابط زوجین در خانواده عربی و اروپایی مورد نظر داستان است. زن اروپایی با روح لطیف غربی (مادر راوی) در کنار مرد عرب عاشقانه قرار می‌گیرد؛ اما نمی‌تواند جنگ و اوضاع مشوش حاکم بر میهن را تاب بیاورد و لذا به دنیای آرام و بی‌هياهو غرب برمی‌گردد. از میان این شخصیت‌ها، زنی مبارز به نام سهاد ترسیم می‌شود که اسیر می‌شود و انواع شکنجه‌ها را برای آرمان خود تحمل می‌کند. او نمونه قهرمان ملی است که نمونه روحیه مقاومت است (همان: ۸۱). او به‌عنوان قهرمان مبارز داستان که شکنجه‌هایی تا سرحد مرگ چشیده است، نه‌تنها برای سربلندی و عزت میهن مقاومت می‌کند، بلکه در مبارزات نیز مشارکت دارد؛ اما مورد بی‌مهری

همسر خویش قرار می‌گیرد. بعد از آزادی از زندان، همسرش او را از فرزندان هم محروم می‌کند (همان: ۸۱). به‌نوعی این زن دو بار تحت ظلم واقع می‌شود؛ یک بار از سوی استعمارگر میهن و یک‌بار از سوی مرد حاکم بر سرنوشتش، یعنی شوهرش؛ «تحوّل زوجها من البطل المناضل إلى رجل يتحصن بكل القواعد والقوانين الذكورية وتحولت البطله إلى امرأة منبوذة... لم يعد له مكان في تاريخ الوطن»^{۱۷} (همان: ۸۱). این نقطه به‌شدت راوی را متأثر می‌کند و در همدردی با سهاد تلاش می‌کند از آلامش بکاهد.

از آنجا که داستان با چند صدایی که پیش می‌گیرد تا از زبان راوی موثق حقایق روایت شود، در کنار نمونه ناهنجار فوق به‌شدت نظام خانواده را در هر دو محیط اروپایی و عربی می‌ستاید و برای آن تقدس قائل است. شدت احترام و دوستی در خانواده زینه و میان افراد خانواده‌های عربی مورد توجه است (همان: ۶۱). هلن به‌عنوان زن اروپایی به دنبال تشکیل خانواده، ازدواج با روابط صمیمانه، صادقانه و محبت‌آمیز است. داستان در کنار روایت نمونه‌ای ناصالح از مردان اروپایی، نمونه شایسته را نیز معرفی می‌کند (همان: ۱۹). داستان بر رمزگان فرهنگی و ارزشی پیوند با خانواده، داشتن خانواده‌ای گرم با روابط صمیمانه و زندگی آرام تأکید دارد.

۳-۳. رمزگان نمادین (Symbolic codes)

رمزگان نمادین هم جنبه دیگر از ساختار معنایی داستان را مشخص می‌کند. اینها نمادهایی هستند که نویسنده به کار برده است (Barthes, 1970: 17). رمزگان نمادین، ایده یا ایده‌هایی است که اثر حول محور آنها ساخته می‌شود (اسکولز، ۱۳۹۳: ۲۱). این رمزگان‌ها، در قالب پیکره‌های معنایی به‌طور منظم، اما به اسلوب‌های متفاوت و به شیوه‌های مختلف در متن تکرار می‌شوند و در نهایت شکل غالب می‌گیرند. مقاومت و شهادت در داستان، رمزگان‌های نمادین هستند که رمان درباره آن نوشته شده است و با اسلوب‌های متفاوت در متن و در شخصیت‌های مختلف جلوه می‌کنند؛ البته با توجه به نوع رمان که بر اساس اسلوب واقع‌گرایی تدوین شده است، نماد و اسطوره در داستان دیده نمی‌شود، بلکه مفاهیم فوق به اشکال مختلف، اسم، صفت و ... در داستان تکرار می‌شوند و تنها شاید بتوان یک شخصیت (سهاد) را به‌عنوان سمبل زنان مبارز در داستان دانست که راوی خود بدان تصریح دارد: «بدت لي تلك المرأة التي تمثل الحرية في لوحة الفنان الرومنطقي دولاكروا الحرية تقود الشعب ... كانت أسطورة و لكنّها لم تستشهد»^{۱۸} (المرّ، ۲۰۱۰: ۸۱).

راوی شخصیت سهاد را به‌عنوان یک نماد معرفی می‌کند. او نماد شهید زنده است که در برابر ظلم متجاوزان به میهن مقاومت کرده است؛ اما مورد ظلم و آزار از سوی مرد درون خانواده و میهن خود قرار گرفته است. سهاد بعد از برگشتن به دامان زندگی، در وطن متحمل بی‌انصافی و بی‌مبالاتی می‌شود که پیش‌تر در موضوع خانواده به آن پرداختیم. روایت در تجلی این سمبل، خواننده را متوجه زمان می‌کند (همان: ۱۵۳) و اینکه چنین شخصیت‌هایی که مورد مباحات وطن‌دوستان و مبارزان بودند، به دلیل تمسک به اعتقادات مبارزه و شهادت‌طلبی، و به دلیل ثبات در هویت مقاومت خود شایسته قدردانی هستند و این زمانه که زمانه خیانت و معاملات است و همه برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود وطن را می‌درند و به نمادها و اسطوره‌ها رحم نمی‌کنند. سرنوشت این زن به‌عنوان نماد وطن از سرنوشت وطنی حکایت دارد که مورد بی‌مهری مبارزان قرار گرفته است؛ آن‌طور که آنها خسته از مبارزه و مقاومت حاضرند حقوق وطن را نادیده بگیرند و تن به سازش دهند.

۴. نتیجه

بررسی لایه‌های دلالتی متن داستان *الخطايا الشائعة* در سطح رمزگان‌های ساختاری در سه لایه رمزگان معنایی، نمادین و فرهنگی نشان می‌دهد که مقاومت و مبارزه، دال مرکزی تمامی آنهاست.

در سطح رمزگان معنایی یا القایی، شخصیت اصلی داستان و راوی به‌عنوان یک فرد دو رگه به‌عنوان فردی حقیقت‌طلب و مجاهد ترسیم می‌شود. داستان با توصیف ابعاد واقعی از این دختر، وی را به‌عنوان راوی مورد اعتماد به خواننده معرفی می‌کند و آن‌گاه به روایت رمزگان‌های معنایی انواع شخصیت‌های اروپایی و عربی می‌پردازد و هرگز به زشت جلوه‌دادن ویژگی‌های اروپاییان و خوب توصیف کردن شخصیت‌های عربی تمایل ندارد؛ آن‌طور که شخصیت محوری مبارز عرب که به‌نوعی آغازگر روایت داستان نیز هست، به‌عنوان یک شخصیت پویا سیر نزولی طی می‌کند و به سازش تن می‌دهد و شخصیت ماری به‌عنوان دو رگه یا تیبری به‌عنوان اروپایی اصیل در سیر صعودی، پرچم کمک‌های انسان‌دوستانه به دست می‌گیرد.

در سطح رمزگان فرهنگی، موضوع مقاومت و شهادت‌طلبی پررنگ است. راوی به دنبال روایت دوگانه اروپایی و عربی از مقاومت و عملیات شهادت‌طلبانه، به فرهنگ شهادت و وطن‌دوستی و مبارزه می‌پردازد تا از نگاه راوی حقیقت‌طلب، حقیقت، روایت

شود. موضوع خانواده به‌عنوان رمزگان فرهنگی مهم دیگر در داستان مطرح است و در دو سطح جامعه‌اروپایی و عربی مورد توجه است.

داستان با رویکرد واقع‌گرایانه تقریباً فاقد رمزگان‌های نمادین است و به تصریح داستان، تنها یک نمونه زن مبارز عرب، به نام سهاد، به‌عنوان نمادی از شهادت و مبارزه به تصویر کشیده می‌شود. این زن به‌عنوان نمادی از وطن در برابر متجاوز صهیونیستی می‌ایستد و متحمل رنج می‌شود؛ اما از سوی همسر خود نیز در خانواده مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد؛ همان‌طور که وطن در بی‌توجهی و بی‌مهری مبارزان، روی میز سازش مصالحه و مبادله می‌شود.

پی‌نوشت

۱. برای چی این کارها را انجام می‌دهم...؟ حقیقتاً اینکه اخیراً به ریشه‌لبنانی‌ام پی بردم، باعث نمی‌شود که هویتم و باورهایم عوض شود.
۲. از من می‌پرسد: چرا ریسک می‌کنی؟ یک زمان دیگر وقتی ... باشد خواهی رفت ... وقتی دلایلضعفیش را می‌فهمد، لبخند می‌زند ... (گفتم) آدمی که تنها و دور از روابط خانوادگی است، نمی‌تواند با سلامتی روحی کامل باشد ... پس من می‌روم.
۳. یادگرفتم که چطور انگشت‌های بریده‌شده و پای زخمی را فراموش کنم. به آن سختی که اول توقع داشتم، نبود ... چند تغییر کوچک در کمدم و در سبک زندگی‌ام، تأثیر خیلی زیادی در من نداشت.
۴. راز عشقی که مردم به این سرزمین دارند چیست؟ ... ادیب لبخندی با تمسخر مردسالارانه می‌زند: روزی تو را از روی دیگر تمام این مبارزه با خبر خواهیم کرد ...
۵. با اعتقاد محکمی می‌گوید ارزش والایی که انسان باید دنبالش باشد، صلح، آرامش درونی و صلح در جامعه است ... بعد از گذشت یک ماه از ملاقات‌های تقریباً هر روزه، آنجا متوجه منظور واقعی ادیب شدم.
۶. قامت لاغرش در من احساس شادی ایجاد می‌کرد. با کنجکاوای زوایای پنهان درون تیبری را فهمیدم. «زوایای پنهان» کلمه‌درستی نیست؛ چون همه چیز درونش واضح، عیان، شفاف و روشن است ... با دو صفت محبت و ملاحظتی ریشه‌دار در او، انقلاب خود را شروع کرد ... با اینکه لائیک بود از این ایده‌اش دفاع می‌کرد که ادیان باید در مسائل سیاسی بی‌طرف باشند.
۷. زندگی‌ای که در شکم جریان داشت مجبورم کرد که خودخواه باشم. دیگر فقط می‌توانستم به فکر خودمان، دوتا، باشم.
۸. ماری کریستین بذره‌های قهرمانی را در درون خود داشت و بدون اینکه بداند، تاریخی از فداکاری و از خودگذشتگی را همراه داشت که به بهترین شکل نشان داد.
۹. چگونه این زمین را دوست نداشته باشیم، آن قدر که جانمان را برایش فدا کنیم.
۱۰. تصمیم پیوستن به مقاومت تنها وسیله‌ای بود که باعث می‌شد احساس حقارت نکنم.

۱۱. پدر و مادرم مرا برای ادامه تحصیل به دانشگاه در لندن فرستادند؛ اما برگشتم. با وجود جوانان جنوب که در میدان‌های نبرد قهرمانی روبه‌روی دشمن می‌ایستند، نتوانستم تنهایی‌ام را ادامه دهم.
۱۲. انور از ضعف و ناامیدی خود از اندیشه ملی می‌گوید که رویای جوانی‌اش و جوانی صدها نفر مثل او بود. از بربادرفتن رویای سرزمینی به دور از فرقه‌گرایی، فساد، بخش‌بندی می‌گوید. از افول ارزش‌هایی می‌پرسد که مدت‌ها برای رسیدن به آن جنگیدند.
۱۳. وقتی حرف‌های او را با قبل مقایسه می‌کنم متحیر می‌مانم؛ وقتی برایم از قهرمانانی می‌گفت که در صف اول مبارزه می‌کنند و حاضر نیستند برای وارد شدن به وادی سیاست لباس مبارزه از تن درآورند.
۱۴. در کل یک قانون کلی و یک ویژگی مشترک میان آنها می‌یابیم و آن فقط انتخاب و نهایت شجاعت است.
۱۵. ما هواپیماهای نظامی و اسلحه‌های سنگین نداریم. ما چیزی به جز اندیشه و جسم‌هایمان نداریم و با این اندیشه و با این جسم‌ها پیروز خواهیم شد. اگر وطن داشته باشیم، هستیم و بدون وطن هیچ هویتی نداریم.
۱۶. یکی از ناشران راضی خواهد شد رمانی را منتشر کند که با تمامی مفاهیم مقبول و مفاهیمی که برای نهادینه کردن در آراء عمومی مردم تلاش کردند، مغایرت دارد. این مسئله کاملاً دور از مفاهیم مورد نظر و مهم مردم است و ضرورتی برای فکر کردن و استنباط مسئله‌ای نمی‌بیند که تحت پوشش سیاست‌های پیش‌گرفته شده است. این، روی دیگری از مبارزه شماس است.
۱۷. همسرش از یک قهرمان مبارز به مردی تبدیل شد که پایبند به تمامی اصول و قوانین مردسالارانه بود و زن قهرمان به یک زن طرد شده‌ای تبدیل شد ... که دیگر در تاریخ میهن هیچ جایی نداشت.
۱۸. آن زن به نظرم شبیه زنی آمد در تابلوی هنرمند رومانئیک دولاکروا به نام «آزادی ملت را پیش می‌برد»، نماد آزادی است ... او یک اسطوره بود؛ اما به شهادت نرسید.

منابع

- آلن، گراهام (۱۳۸۵)، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، مرکز احمدی، بابک (۱۳۸۰)، *ساختار و تأویل متن*، تهران، مرکز.
- اسکولز رابرت (۱۳۹۳)، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، آگاه.
- بارت، رولان (۱۳۹۷)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه صادق رشیدی و فرزانه دوستی، تهران، علمی و فرهنگی.
- برکات، وائل (۲۰۰۲)، «السیمولوجیا بقراءة رولان بارت»، *جامعه دمشق*، ج ۱۸، ش ۲، صص ۵۵-۷۶.
- چندلر دانیل (۱۳۸۷)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر.
- رحیمی خویگانی، محمد، فاطمه گلی و منصوره زرکوب (۱۳۹۱). «داستان *ابلیس* ینتصر توفیق الحکیم از منظر ساختارگرایانه بارت»، *نقد ادب معاصر عربی*، سال ۲، ش ۳، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران، نشر علم.
- _____ (۱۳۸۸)، *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل*، تهران، نشر علم.

- _____ (۱۳۸۳)، «نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل نشانه‌شناختی متون هنری»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی: شماره ۱؛ مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، به کوشش فرزانه سجودی، تهران، فرهنگستان هنر.
- سیدان، الهام (۱۳۹۴)، «نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌ها در داستان قرآنی خلقت آدم (ع) با تأکید بر کشف الاسرار میبیدی»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۳، ش ۴، صص ۱۴۴-۱۷۰.
- صادقی، لیلا (۱۳۹۲)، «انشقاق اجتماعی در یک متن نوشتنی: رمزگان‌شناسی خروس»، مجموعه مقالات نقدهای ادبی هنری، نشانه‌شناسی و نقد ادبیات داستانی معاصر (نقد و بررسی آثار ابراهیم گلستان و جلال آل احمد)، به کوشش لیلا صادقی، تهران، سخن، صص ۶۱-۲۰۵.
- صفی‌ئی، کامبیز و مسعود سلامی (۱۳۹۰)، «توضیح و معرفی متدولوژی رمزگان پنج‌گانه رولان بارت با نمونه عملی از نمایشنامه فیزیکدان‌ها اثر فریدریش دورنمات»، مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، ش ۲۴-۲۵، صص ۱۹۹-۲۲۱.
- گل‌پرو، یوسف، کارمان کسائی و سید اسماعیل قافله‌باشی (۱۳۹۲)، «تحلیل ساختاری داستان کوتاه آداب سفر از دیدگاه بارت و گرماس (از مجموعه داستان طعم باروت)»، زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد سنندج، س ۵، ش ۱۴، صص ۱۵۹-۱۷۹.
- المّرّ، فاتن (۲۰۱۰)، الخطایا الشائعة، بیروت، الفرات.
- مشتاق‌پور، مرضیه و شهلا شریفی (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان شعر سوره تماشا بر اساس نشانه‌شناسی لایه‌ای»، مجموعه آثار دومین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی، صص ۲-۱۳.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۸)، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، آگه.
- Barthes, roland, (1970). *s/z*. (trans. Richard Howard & Richard Miller) new York: hill and Wang

References

- al-Mur Fattan (۲۰۱۰). *Khaṭṭyā al-shā'i'ah*. Beirut:Alforat. [In Arabic]
- Babak, Ahmadi. (2009). *The Text-structure and Textual Interpretation*. Tehran: Nashre markaz [In Persian]
- Scholes, Robert (2015). *Structuralism in Literature An Introduction*. farzaneh Taheri (Trans). Tehran: Agah. . [In Persian]
- Barakat, Vael (2002). "Alsemiologia be Gharate Roland Barthes". *Demashqe university Magazine*. 18, no 2, pp. 76-55. [In Arabic]
- Barthes, roland, (1970). *s/z*. Richard Howard & Richard Miller (Trans). new York: hill and Wang.
- Barthes, Roland (2018). *Elements of semiology*. Sadegh rashidi and farzanehdusti (Trans). Tehran: Entesharat Elmi farhangi. [In Persian]
- Barthes, Roland (2018). *The Structural Analysis of Narrative*. Antivan Abu yazid (Trans). Beirut: manshurat avaydat. [In Persian]
- Chandler, Daniel (2008). *The basic semiotics*. Parsa Mahdi (Trans). Tehran: entesharat sureye mehr. [In Persian]
- Golparvar, Yousef, Karman Kasai, Seyyed Ismail Qafele Bashi (2013). "A Structural Analysis of Adabe safar" from the perspective of Bart and Garmas (from the stories of "tame BAroot") ". *Persian Language and literature*

- Quarterly Journal of Islamic Azad University of Sanandaj Branch Zabano Adab Farsi. V 5. No 14. Pp. 159-179. [In Persian]
- Makarik, Irna Rima (2009). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*. Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi(Tran), Tehran: Nashre Aghah. [In Persian]
- Moshtaqpoor Marzieh and Shahla Sharifi (2013). "Analysis of Discourse of Surah-watching Poetry Based on Layered Semiotics." *The collection of 2nd National conference on Farsi Language Teaching and Linguistics*. Pp. 2-13. [In Persian]
- Rahimi Khoiyani, Mohammad and Fatemeh Goli and Mansoureh Zarkoob (2012). A structuralism analysis for "Tofiq Hakims" short story by name: "Satan wins" In the Barthes codes model, point of view. *Criticism of Contemporary Arabic literature*. V 2. No 3. pp. 142- 123. [In Persian]
- Sadeghi, Leila (2013). "Social Divorce in a Written Text: The Coding of Cock". *The Collection of Articles on Artistic Criticism, Semiotics, and Criticism of Contemporary Fiction (A Review of the Works of Ebrahim Golestan and Jalal Al Ahmad)*. Tehran:Sokhan. pp. 205-61. [In Persian]
- Safiei, Kambiz and Masoud Salami (2011). "Explaining the Methodology of Roland Barthes' Five-Codes with a Practical Example of the Friedrich Dummies Physicists". *Studies in Literary Criticism (Literary Research)*. Pp. 199-221. [In Persian]
- Seeidan, Elham (2015). "Layered semiotics of signes in the Qur'anic story of the creation of Adam (p) with emphasis on Kashf al-Asrar Meibodi" *Literary-Qur'anic Researches*. Year 3, No. 4, pp. 144-170. [In Persian]
- Sojoodi, Farzan (2008). *Applied semiotics*. Tehran: Nashre Elm. [In Persian]
- Sojoodi, Farzan (2009). *Semiotics: Theory and Practice*. Tehran: Nashre Elm. [In Persian]
- Sojoodi, Farzan (2004). *Symposium Articles: No. 1; Articles of the first symposium of semiotics of art ,by Farzan Sojoudi, Tehran, Academy of Arts*. [In Persian]